



تأثیر آموزه ها و فتاوای شیعی در رشد و کنترل جمعیت

پدیدآورنده (ها) : علیی، محمد ولی

- ۱۴۸۳۱ ادیان ، مذاهب و عرفان :: نشریه شیعه شناسی :: زمستان ۲۱ (ISC)

شماره ۴۷۱ از ۲۳۴۱

آدرس : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/۲۳۶۹۲۷>

ثابت

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالبینوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

تأثیر آموزه‌ها و فتاوای شیعی

در رشد و کنترل جمعیت

محمودولی علینی^{۱۱}

چکیده

بحث مجاز یا غیر مجاز بودن روش‌های کنترل موالید و پیشگیری از حاملگی، همواره موافقان و مخالفانی را در میان فقها و علما داشته است. اهمیت فتاوای شیعی زمانی دو چندان می‌گردد که به این مقوله در سطح کلان، یعنی اتخاذ سیاست‌های جمعیتی از سوی حکومت‌های مسلمان نگر بسته شود. نوشتار حاضر، ضمن اشاره به مسئله افزایش چشمگیر رشد جمعیت در طی قرون اخیر و نیز تاریخچه کنترل موالید و باروری در اسلام، نظرات فقهای شیعه درباره کمیت فرزندان و بعد خانواده را در دو گروه موافقان و مخالفان مورد بررسی قرار می‌دهد و به تأثیر این آموزه‌ها و فتاوا در رشد و کنترل جمعیت می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: فقه سیاسی، رشد جمعیت، کنترل موالید، فرزندآوری، عزل، عقیم‌سازی.

مقدمه

از جمله مباحث مهمی که از چند دهه گذشته و به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران (به عنوان یک حکومت دینی) و نیز در جهان (به عنوان یک متغیر اساسی در مسائل سیاسی و اقتصادی) مطرح گردید، موضوع جمعیت و کنترل باروری و موالید در میان مسلمانان بوده است. این موضوع از آن روی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که به بحث کنترل جمعیت از نگاه دینی و فقهی چه در سطح خرد (به کارگیری روش‌های کنترل موالید) و چه در سطح کلان (پذیرفتن اصل سیاست‌های جمعیتی از سوی دولت‌های مسلمان و حکومت دینی) می‌پردازد. در مطالعه تاریخ جمعیت‌شناسی، همه ادیان الهی، به ویژه دین اسلام را طرفدار افزایش جمعیت و مشوق فرزندآوری زیاد قلمداد می‌کنند. حال با توجه به این نگرش، چگونه می‌توان اصل سیاست‌های جمعیتی و کنترل موالید را در این جوامع پذیرفت و یا دست کم درباره آن بحث کرد؟

واقعیت‌های تجربی و تحولات جمعیتی در جهان اسلام و به ویژه رشد جمعیت بی‌سابقه در ایران در خلال سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی^۱ و محدودیت‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی، مسئولان سیاسی و علمای دینی را با این سؤال جدید مواجه ساخت که کیفیت حجم جمعیت و سیاست‌های جمعیتی چگونه باید اتخاذ گردد؟ آیا صرفاً بر اساس اینکه کثرت فرزندآوری از دید شارع مقدس اسلام مطلوبیت دارد نباید به موضوع جمعیت و رشد آن توجه کرد و در نتیجه، همه تبعات و عواقب ناشی از بروز این پدیده را پذیرفت و یا اینکه بالاخره حکومت دینی و مسئولان نظام سیاسی نباید برای جمعیت یک برنامه و هدف‌گذاری معینی را اتخاذ کنند؟

* رشد جمعیت در خلال سال‌های ۱۳۵۷.۶۵ (۳/۹٪) برآورد شد.

آنچه این نوشتار به آن می‌پردازد بررسی دیدگاه اسلام و فقه شیعه درباره مقوله کنترل جمعیت و سیاست‌های جمعیتی، چه در سطح خرد و چه در سطح کلان است.

چرا کنترل جمعیت؟

با توجه به تاریخ تحول جمعیت جهان از ابتدا تاکنون (جدول شماره ۱) ملاحظه می‌گردد که در طول تاریخ تا حدود دو سده اخیر، حجم جمعیت جهان اندک و رشد جمعیتی آن بسیار ناچیز است؛ بدین صورت که از سویی، میزان مرگ و میر سالانه و از سوی دیگر، میزان موالید و فرزندآوری بسیار بالا بوده است.[#] چهار عامل عمده مرگ‌زا در میان جوامع به ترتیب اهمیت و تأثیرگذاری عبارت بودند از:

۱. وجود بیماری‌های عفونی و واگیر مانند وبا و طاعون؛
۲. بروز خشکسالی‌ها و قحطی‌ها که به صورت تقویمی و تکراری جوامع را تهدید می‌کرده است؛
۳. حوادث و بلایای طبیعی مانند سیل و زلزله؛
۴. جنگ‌ها، کشتارها و قتل‌عام‌ها.

البته عامل پنجمی را هم باید به عوامل بالا افزود: سوء تغذیه و بیماری‌های مزمن که در کنار عوامل مزبور باعث تقویت آن‌ها و افزایش مرگ و میر می‌شده است. از میان این عوامل، بیماری‌های عفونی و اپیدمی بیشترین نقش را در ایجاد مرگ و میر و کاهش جمعیت ایفا می‌کرده است. ملاحظه می‌گردد که حجم

نزدیک به باروری بیولوژیک؛ بالاترین سطح از باروری که یک زن در سن دورهٔ بالغه باروری (۱۵-۲۹ ساله) می‌تواند داشته باشد.

جمعیت و رشد آن پیوسته در حد پایینی قرار داشته است؛ یعنی مجموع موالید و مرگ و میر هر ساله بسیار نزدیک به هم و در نتیجه، رشد جمعیت نزدیک به صفر بوده است. از این روی، تغییرات جمعیت جهان در خلال چندین هزار سال تقریباً ناچیز بوده است. (نگاه کنید به جدول شماره ۱)

پس از انقلاب صنعتی و بهبود شرایط زندگی و بهداشت در اروپا در قرون هجدهم و نوزدهم، میزان تأثیرات عوامل مرگ‌زا به مرور کاهش یافتند. دانش پزشکی بسیاری از بیماری‌های مزمن را سلامت بخشید. گسترش بازرگانی ذخایر غذایی را در حد وسیعی در دسترس همگان قرار داد و با بهبود وضعیت تغذیه، آنان را از مرگ و میرهای گسترده ناشی از قحطی‌ها و خشکسالی‌های جدی رهانید. همچنین بهبود شرایط فیزیکی و تکنولوژیکی زندگی انسان‌ها و رشد شهرنشینی و ارتقای شرایط فیزیکی آن، مرگ و میر حوادث و بلایای طبیعی را کاهش داد.

قرن نوزدهم با جمعیت یک میلیارد نفری آغاز شد. این جمعیت در اوایل قرن بیستم به ۱/۶ میلیارد نفر رسید؛ یعنی در خلال صد سال ۶۰۰ میلیون نفر به جمعیت جهان اضافه شد. اما قرن بیستم با جمعیت ۶/۱ میلیارد نفری پایان یافت؛ یعنی در خلال صد سال ۴/۵ میلیارد نفر به جمعیت جهان افزوده شد. (نگاه کنید به جدول شماره ۱) این تغییر افزایش جمعیت را از نگاهی دیگر می‌توان ارزیابی کرد. از ابتدای تاریخ تاکنون هر چه به زمان کنونی نزدیک‌تر می‌شویم شتاب افزایش جمعیت بیشتر می‌شود. جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که برای اضافه شدن یک میلیارد نفر به جمعیت جهان در ابتدای قرن نوزدهم ۱۳۰ سال زمان لازم بود؛ یعنی در سال ۱۹۳۰ جمعیت جهان به ۲ میلیارد نفر رسید. اما برای اضافه شدن یک میلیارد سوم جهان فقط ۳۰ سال زمان لازم

داشت و این جمعیت در سال ۱۹۶۰ به حدود ۳ میلیارد نفر رسید. برای اضافه شدن یک میلیارد چهارم به جمعیت جهان فقط ۱۵ سال لازم بود؛ یعنی در سال ۱۹۷۵ جمعیت جهان به ۴ میلیارد نفر رسید. برای یک میلیارد پنجم این مدت به ۱۱ سال تقلیل یافت و جمعیت جهان در سال ۱۹۸۶ از مرز ۵ میلیارد نفر گذشت. اما با کمال تعجب ملاحظه می‌گردد که زمان اضافه شدن یک میلیارد‌های بعدی به صورت سطحی در حال افزایش است.

حال سؤال اساسی در مقوله حجم و تراکم جمعیت این است که سرنوشت جمعیت روی زمین به کجا خواهد رسید؛ اگر همین وضعیت و همین جریان رشد ادامه پیدا کند، کره زمین تا چه زمانی برای زندگی و زیستن مناسب و قابل تحمل و پاسخگو خواهد بود؟ سؤال بعدی آنکه در میان کشورهای توسعه یافته و توسعه نیافته و به عبارت دیگر، کشورهای شمال - جنوب چه نسبتی از جمعیت وجود دارد و سهم هر یک از این مناطق در افزایش جمعیت چقدر است؟ و بالاخره سؤال سوم: سهم تولید اقتصادی و درآمد اقتصادی هر یک از این دو منطقه (شمال و جنوب) از مجموع درآمد اقتصادی جهان چقدر است؟

امروز تغییرات جمعیتی در دنیا بر دو جریان عمده استوار است: رشد زیاد جمعیت در میان کشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه و کاهش رشد جمعیت در میان کشورهای توسعه یافته. رشد نامتوازن جمعیت در میان این دو منطقه، سهم کشورهای توسعه یافته از کل جمعیت جهان را از یک سوم در ابتدای قرن بیستم به یک پنجم در پایان این قرن تقلیل داده است. در این میان، سهم اروپا بیش از همه کاهش یافته است. «در سال ۱۹۰۰ میلادی یک چهارم از جمعیت جهان در اروپا زندگی می‌کرده است، در حالی که این نسبت در سال ۲۰۰۰ میلادی به یک هشتم تقلیل یافته است.» (www.Prb.org)

جدول شماره (۱) برآورد آمار جمعیت جهان (از ابتدا تا کنون)*

زمان برای اضافه شدن هر میلیارد نفر	سال (مسیحی)	تعداد جمعیت (به میلیون)	درصد افزایش	
	۸۰۰۰ ق.م	۱۰	۰/۶٪	
	سال اول م	۲۳۰		
	۱۰۰۰ م	۲۵۰		
	۱۵۰۰	۴۵۰		
	۱۶۰۰	۴۸۰		
۱۵۰ سال	۱۶۵۰	۵۰۰	٪۳۱	رسیدن به مرز ۰/۵ میلیارد نفر
	۱۷۰۰	۶۰۰		
	۱۸۰۰	۱۰۰۰	٪۶۲	رسیدن به مرز یک میلیارد نفر
	۱۹۰۰	۱۶۰۰	٪۱۰۰	مبنای شاخص درصدی
۱۳۰ سال	۱۹۱۰	۱۷۲۸	۱۰۸	
	۱۹۲۰	۱۷۹۲	۱۱۲	
	۱۹۳۰	۲۰۴۸	٪۱۲۸	رسیدن به مرز ۲ میلیارد نفر
	۱۹۴۰	۲۲۷۲	۱۴۲	
۳۰ سال	۱۹۵۰	۲۲۶۴	۱۵۴	
	۱۹۶۰	۲۹۴۴	٪۱۸۴	رسیدن به مرز ۳ میلیارد نفر
۱۵ سال	۱۹۷۰	۳۶۰۰	۲۲۵	
	۱۹۷۵	۴۰۰۰	٪۲۵۰	رسیدن به مرز ۴ میلیارد نفر
۱۱ سال	۱۹۸۰	۴۸۰۰	۳۰۰	
	۱۹۸۶	۵۰۰۰	۳۱۳	رسیدن به مرز ۵ میلیارد نفر
۱۳ سال	۱۹۹۹	۶۰۰۰	٪۳۷۵	رسیدن به مرز ۶ میلیارد نفر
	۲۰۰۲	۶۲۲۶	۳۸۹	
	۲۰۰۴	۶۳۷۲	۳۹۹	

تاریخچه کنترل موالید و باروری در اسلام

«عزل» (آمیزش منقطع) به عنوان یکی از اولین ابزارهای کنترل باروری است که بشر آن را می‌شناخته و از آن به عنوان ساده‌ترین روش پیشگیری از حاملگی و موالید استفاده می‌کرده است. در طول تاریخ انگیزه‌های گوناگونی در پیشگیری از بارداری به روش عزل وجود داشته است؛ از جمله: انگیزه‌های جسمی و بهداشتی (شرایط و وضعیت جسمانی و سلامتی زن)، انگیزه‌های اخلاقی و اجتماعی (مخفی نگه داشتن ازدواج برای در امان ماندن از خطرات اخلاقی و اجتماعی) و انگیزه‌های اقتصادی و فقر و تهیدستی در تأمین معیشت فرزندان.

یکی از روایاتی که (با سندهای متعدد) از زمان پیامبر اسلام ﷺ نقل شده، مربوط به فردی است که نگرانی خود را از عمل عزل با پیامبر ﷺ در میان می‌گذارد، و از آن حضرت می‌خواهد که نظر خود را درباره آن بیان فرماید. بر اساس این روایت، پیامبر ﷺ می‌پذیرد که از داشتن فرزندی دیگر به مدت ۵ سال (از تولد آخرین فرزند) جلوگیری به عمل آید و دلیل آن حضرت بر این مسئله، اصرار و پافشاری همسر آن مرد بود از آن جهت که حاملگی مانع از توانایی او برای شیر دادن و در نتیجه، به خطر انداختن سلامت فرزندش گردد. «و روایت است که پیامبر ﷺ او را در خصوص صحت این عمل (عزل) مطمئن ساخته است.» (مهربار، ۲۰۰۲، ص ۱۱)

روایت دیگر: «فردی به نام حایر تصریح می‌کند که ما در زمان حیات پیامبر اکرم ﷺ به روش عزل عمل می‌کردیم. [این] در حالی بود که معاصر با زمان نزول آیه قرآن کریم بود.» (ممان)

نقل این روایت درباره شرایط زمان نزول قرآن بدان معناست که قرآن مخالفتی با روش عزل و کنترل موالید نداشته است.

روایات متعددی نیز از ائمه علیهم‌السلام در خصوص جواز عزل نقل شده است که گویای عدم مغایرت آن با نظر اسلام می‌باشد. در روایتی، از امام

باقر علیه السلام نسبت به عزل سؤال شد: مردی که با همسر آزاد خود مقاربت دارد، آیا آن مرد می‌تواند به روش عزل عمل کند؟ ایشان در پاسخ فرمودند: «بستگی به نظر آن مرد دارد. مرد در صورتی که بخواهد عزل کند می‌تواند چنین کند.» (همان، ص ۵۰)

بر اساس روایت دیگری از امام جعفر صادق علیه السلام، چنین استنباط می‌شود که در قرن دوم هجری (زمان حیات امام صادق علیه السلام) در میان مسلمانان روش آمیزش منقطع (عزل) روشی عمومی و عادی بوده است. شخصی به نام ابوبصیر از امام پرسید: در مورد عزل چه می‌فرمایید؟ امام در جواب فرمودند: «[جدم] علی علیه السلام عمل عزل را انجام نمی‌داد، اما من انجام دادم.» ابوبصیر می‌گوید: «اما این بر خلاف عمل علی علیه السلام است. امام پاسخ دادند: «یک چنین اختلافی اشکالی برای کسی ایجاد نمی‌کند، همان‌گونه که به طریق مشابهی تفاوت‌هایی بین سلیمان نبی و پدر او داود نبی ضروری به دومی نمی‌زند.» (همان، ص ۱۳)

آشنایی مسلمانان با روش‌های دیگر کنترل باروری

با گسترش اسلام به سرزمین‌های دیگر (ایران و روم)، دانش مسلمانان در زمینه روش‌های کنترل باروری افزایش یافت.

عمران (۱۹۹۲: ۴ - ۱۷۳) یک فهرست انتخابی از متون پزشکی اولیه ارائه داده است که توسط پزشکان مسلمان نوشته شده و در بردارنده بحث از شیوه‌های جلوگیری و ملاحظات بهداشتی برای جلوگیری از حاملگی است. در این فهرست کتاب معروف قانون ابوعلی سینا نیز وجود دارد. (مهریار، ۲۰۰۰، ص ۱۴) در این متون نه تنها عزل مورد مطالعه قرار گرفته است، بلکه اشکال اولیه شیوه‌های امروزی نظیر کاندوم، کپسول، دیافراگم و نیز استفاده از مواد شیمیایی برای بالا بردن میزان تأثیر و ضریب اطمینان معرفی شده‌اند.

نظرات فقهای شیعه دربارهٔ کمیت فرزندان و بُعد خانواده

علما و فقهای شیعه در زمینهٔ کنترل موالید و کمیت تعداد فرزندان به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف. گروهی که اسلام را مخالف با کنترل موالید و موافق با ازدیاد جمعیت و نفوس می‌دانند.

ب. گروهی که معتقدند اسلام علاوه بر تأکید نسبت به تکثیر نسل، جواز کنترل موالید و جلوگیری از آن را در موارد خاص صادر کرده است.

هر دو گروه برای نظرات و دیدگاه‌های خود به آیات قرآن و روایات و احادیث وارد در این زمینه استناد می‌کنند که در اینجا به طور اجمال به مواردی از آنها اشاره می‌شود:

مخالفان کنترل موالید

دستهٔ اول که قایل به کنترل جمعیت نیستند، توجه خاص خود را بر رزق و روزی و کمیت منابع برای تأمین معیشت انسان معطوف می‌دارند؛ اینکه رزق و روزی در دست خداوند است و اوست که روزی هر کس را مقرر می‌فرماید.

الف. استناد به قرآن: این گروه یکی از دلایل مخالفت خود با کنترل موالید را آیات قرآن کریم در این زمینه عنوان می‌کنند؛ از جمله:

۱. ﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ﴾؛ و هر کس از خدا

پروا کند [خدا] برای او راه بیرون‌شدنی قرار می‌دهد. و از هر جایی که حسابش را نمی‌کند به او روزی می‌رساند. (طلاق، ۲ و ۳)

۲. ﴿وَكَايْنٍ مِنْ دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾؛ و چه

بسیار جاندارانی که نمی‌توانند متحمل روزی خود شوند. خداست که آنها و شما را روزی می‌دهد، و اوست شنوایی دانا. (عنکبوت، ۶۰)

۳. ﴿قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ

يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ؛ بگو در حقیقت پروردگار من است که روزی را برای هر کس از بندگانش که بخواهد گشاده یا برای او تنگ می‌گرداند. و هر چه را انفاق کردید عوضش را او می‌دهد و او بهترین روزی‌دهندگان است. (سبأ، ۳۹)

۴. «اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ؛ خدا نسبت به بندگانش مهربان است؛ هر که را بخواهد روزی می‌دهد و اوست نیرومند غالب. (سوراء، ۱۹)

ب. استناد به روایات: در ذیل به برخی از روایاتی که مشوق فرزندآوری می‌باشند اشاره می‌گردد:*

۱. عن امیرالمؤمنین علیه السلام: «تزوجوا فان التزویج سنة رسول الله صلی الله علیه و آله فانه كان يقول: من كان يحب أن يتبع سنتی فان من سنتی التزویج و اطلبوا الولد فانی تكاثر بكم الامم غدأ»؛ ازدواج کنید که همانا ازدواج سنت رسول خداست. همانا حضرتش می‌فرمود: هر کس دوست دارد که از سنت من پیروی کند، پس بداند که ازدواج یکی از سنت‌های من است و طلب فرزند کنید؛ چرا که با شما می‌خواهم امتم را از سایر امت‌ها بیشتر کرده باشم. (عاملی، ۱۳۴۷، ج ۱۴، ب ۱۱، ح ۳)

۲. عن ابی جعفر علیه السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله «تزوجوا بکراً و اولاداً ولا تزوجوا حساناً جمیلة عاقراً فانی أباهی بكم الامم یوم القیامه»؛ با زنان باکره و فرزندآور ازدواج کنید و با زنان زیباروی [و خوش اندام و خوش قیافه] نازا ازدواج نکنید؛ چرا که به شما روز قیامت مباحات خواهم کرد. (همان، ج ۲۰، ص ۵۴، ح ۱)

۳. عن الرسول صلی الله علیه و آله: «ما یمنع المؤمن أن یتخذ اهلاً لعل الله یرزقه نَسَمَةً، ثقل الارض بلا اله الا الله»؛ چه چیزی مانع مؤمن است از اینکه اهلی (همسری) انتخاب کند که شاید خداوند ذی روحی (فرزند)ی به او روزی کند تا زمین را با «لا اله الا الله» گفتنش سنگین کند؟ (همان، ج ۱۴، باب ۱۵، ح ۳)

* قابل توجه اینکه سند روایت، یکی از مهم‌ترین محورهای استفاده از روایت است که در اینجا به آن پرداخته نشده است. بنابراین، با فرض صحت سند روایات آن‌ها را ذکر می‌کنیم.

۴. عن الرسول ﷺ: «اتخذوا الاهل فانه ارزق لكم!» اهل و عیال برای خود فراهم کنید؛ چرا که این برای شما روزی آورتر است. (همان، ج ۲۰، ص ۱۵، ح ۵)

موافقان کنترل موالید

دسته دوم معتقدند در اسلام جواز برای کنترل موالید و جلوگیری از بارداری وجود دارد.

الف. استناد به قرآن: این گروه به آیاتی استناد می‌کنند که در آن‌ها فرزندآوری لزوماً مطلوبیت ندارد و چه بسا فرزندانسی که موجبات خسارت انسان را فراهم می‌آورند. برخی از این آیات عبارتند از:

۱. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ﴾؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، (زنهار) اموال شما و فرزندانان شما را از یاد خدا غافل نگردانند. و هر کس چنین کند، آنان خود زیانکارانند. (منافقون، ۹)

۲. ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ وَقَالُوا نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا وَمَا نَحْنُ بِمُعَذِّبِينَ﴾؛ و در هیچ شهری هشداردهنده‌ای نفرستادیم جز آنکه خوشگذرانان آن گفتند: ما به آنچه شما بدان فرستاده شده‌اید کافریم و گفتند: ما دارایی و فرزندانمان از همه بیشتر است و ما عذاب نخواهیم شد. (سبأ، ۳۴ و ۳۵)

۳. ﴿إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ﴾؛ اموال شما و فرزندانان صرفاً [وسیله] آزمایش [برای شما] هستند و خداست که نزد او پاداشی بزرگ است. (تغابن، ۱۵)

۴. ﴿اغْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ زِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ﴾؛ بدانید که زندگی دنیا در حقیقت بازی و سرگرمی و آرایش و فخر فروشی شما با یکدیگر و فزونی جویی در اموال و فرزندان است. (حدید، ۲۰)

ب. استناد به روایات: موافقان کنترل موالید در کنار استناد به آیات قرآن کریم، به روایاتی نیز در زمینه نکوهش کثرت نسل اشاره می‌کنند. در ذیل به برخی از این روایات اشاره می‌گردد:

۱. عن علی علیه السلام: «لیس الخیر ان یکثر مالک و ولدک»؛ خیر این نیست که مال و فرزندان تو زیاد باشد. (حکیمی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۴۵۵)
 ۲. عن النبی صلی الله علیه و آله: «اللهم ارزق من ابغض محمداً و آل محمد کثرة المال و الولد»؛ خدایا به کسی که دشمن محمد صلی الله علیه و آله و آل محمد علیهم السلام می‌باشد مال و فرزندان زیاد عطا کن. (طبری نوری، ج ۱۵، ح ۱۸۰۸۸)
 ۳. عن علی علیه السلام: «ثلاث من اعظم البلاء، کثرة العائله، و غلبه الذین و دوام المرض»؛ سه چیز از شدیدترین گرفتاری‌ها می‌باشد؛ ۱. فراوانی تعداد زن و فرزند؛ ۲. غلبه کردن بدهکاری‌ها بر انسان؛ ۳. طولانی شدن بیماری. (همان، ج ۲، ص ۲۷۶)
 ۴. عن الرسول صلی الله علیه و آله: «الفقر هو الموت الاکبر قلة العیال احد الیسارین، التقدير نصف العیش...»؛ فقر مرگ بزرگ‌تر و کمی تعداد زن و فرزند یکی از دو آسایش است [آسایش دوم: فراوانی مال] و برنامه‌ریزی در زندگی نیمی از گشایش زندگانی است. (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۱۰، ص ۹۹، باب ۷، روایت ۱)
- مقابله روایات مزبور با روایاتی که بر کثرت فرزند تأکید دارند، ما را به یک نتیجه معین و جهت‌گیری روشن رهنمون می‌سازد.
- برای مثال، اگر روایاتی را که مشوق فرزندآوری می‌باشند، در کنار حدیث «من سعادة الرجل الولد الصالح» (کلینی، بی‌تاریخ، ج ۶، ص ۲، ح ۶) قرار دهیم، در آن صورت، مطلق نبودن مطلوبیت فرزندآوری به ذهن قریب خواهد بود. آنگاه فرزند غیر صالح نه تنها موجب بهشت رفتن نیست، که شاید بر اساس آیه شریف قرآن (تغابن: ۱۴) دشمن انسان نیز باشد.
- نکته دیگر قابل تأمل، تقابل و تعامل میان فرزند صالح و گوینده «لا اله الا الله» و مباهات امت اسلام از یک سو و تربیت آن با کثرت اولاد از سوی دیگر است. به این معنا که آیا می‌توان فرزندان بسیار داشت و با محدودیت فرصت والدین،

آن‌ها را با تربیت درست به کمال رساند تا گوینده «لا اله الا الله» باشند و اسلام را در پهنه زمین بگسترانند و یا (به ظاهر) مسلمانانی هستند که با فقر علمی، اقتصادی و فرهنگی، عزت و شرف خود را به پای نیاز به غیرمسلمانان (غرب دین ستیز) خواهند فروخت؟

در دنیای امروز، هم عقل و هم تجربه حکم می‌کنند که رشد کمی جمعیت باید با رشد کیفی (علمی، فرهنگی و اقتصادی) آن همراه باشد؛ زیرا در دنیای مدرن چه بسا کشورهای با جمعیت بسیار و گسترده زیر سلطه علمی و فرهنگی کشورهای با جمعیت اندک قرار دارند.

روش‌های جلوگیری از بارداری

هر عمل و مانعی که باعث جلوگیری از پیوند (لقاح) تخمک زن و اسپرم مرد گردد، به عنوان روش جلوگیری از بارداری تلقی می‌گردد. این روش‌ها به ۴ دسته تقسیم می‌شوند:

الف. روش ممانعت از آزاد شدن تخمک زن؛ مانند استفاده از قرص‌های خوراکی دارای یک یا دو نوع هورمون، هورمون‌های تزریقی و کپسول‌های کاشتنی.

ب. روش‌های مکانیکی: در این روش‌ها بر سر راه اسپرم و حرکت آن در داخل رحم و لقاح با تخمک، مانع ایجاد می‌گردد که شامل ابزارهای داخل رحمی (مانند انواع آی یو دی)، انواع پوشش‌هایی که مردان یا زنان از آن‌ها استفاده می‌کنند، جلوگیری از آزادسازی اسپرم در داخل رحم (عزل) و انواع داروها و موادی است که باعث کشته شدن اسپرم پیش از لقاح می‌گردد.

ج. روش‌های طبیعی: با اطلاع از عمر محدود تخمک و اسپرم و عدم نزدیکی در زمان حیات موقت تخمک، و آگاهی از سپری شدن حیات تخمک می‌توان در

این فاصله مبادرت به مقاربت نمود، بدون اینکه لقاحی صورت بگیرد.
 د. روش‌های جراحی: با استفاده از عمل جراحی و بستن لوله‌های انتقال تخمک در زن و لوله‌های انتقال اسپرم در مرد می‌توان مانع از عمل لقاح شد. با جمع‌بندی موارد مزبور، روش‌هایی که تاکنون برای جلوگیری از حاملگی به صورت فیزیکی و کلینیکی شناخته شده‌اند و به صورت تاریخی قابل استفاده و به‌کارگیری همگان بوده‌اند، صرف‌نظر از عوارض و پیامدهای ناخواسته احتمالی آنها، عبارتند از:

۱. عزل (مقاربت ناقص و منقطع)؛
۲. مراعات زمانی (رعایت دوره‌های زمانی که احتمال حاملگی کاهش می‌یابد)؛
۳. داروهای شیمیایی ضد بارداری؛
۴. کاندوم (پوشش و غلاف)؛
۵. تزریق آمپول‌های حاوی هورمون پروژسترون کوتاه مدت و دراز مدت؛
۶. نورپلنت (کاشتن کپسول زیر پوست سطح داخلی بازو)؛
۷. استفاده از اسپرم کش‌ها؛
۸. ابزارهای داخل رحمی (IUD)؛
۹. سترون کردن (عقیم کردن با جراحی).

جلوگیری از باروری به روش عزل

عزل کردن عبارت است از مقاربت ناقص و منقطع به صورتی که مانع از رسیدن اسپرم به تخمک (و جلوگیری از عمل لقاح) گردد. چنان‌که از عبارات فقها و برخی روایات برمی‌آید، عزل مصادیق گوناگونی دارد که عبارتند از:

۱. عزل از کنیزان؛

۲. عزل از زن آزاده‌ای که به عقد موقت درآمده است؛
۳. عزل از زن آزاده‌ای که به عقد دائمی درآمده، در صورتی که راضی به عزل باشد و یا در ضمن عقد شرط عزل شده باشد؛
۴. عزل در صورت آمیزش از طریق غیرمتمعارف؛
۵. عزل در حال اضطرار و ضرورت؛
۶. عزل توسط زن (جلوگیری از انزال منی در رحم)؛
۷. عزل در صورتی که زن آن را در متن عقد ازدواج با مرد شرط کرده باشد؛
۸. عزل در خصوص چند دسته از زنان که در روایات ذکر شده است؛ مانند یائسه، عقیم، زن بد زبان و تندخو، زن کم حیا، زن کم عقل، احمق و مانند این‌ها؛
۹. عزل از زن آزاده‌ای که به عقد دائمی درآمده باشد و راضی به عزل نباشد و در ضمن عقد نیز شرط عزل نشده باشد.

اقوال علما در خصوص عزل

نظر علمای گذشته درباره عزل

از موارد ذکر شده بالا، بند ۶ به دلیل آنکه با حق مرد منافات دارد و مانع از تمتع و تلذذ کامل مرد می‌شود شرعاً جایز نیست. البته بند ۹ هم مورد اختلاف فقهاست. بقیه موارد، مورد اجماع و اتفاق همه فقها می‌باشد. در میان فقهای شیعه و سنی حتی یک نفر نمی‌توان یافت که قایل به حرمت عزل به طور مطلق باشد.

اقوال علمایی که قایل به حرمت عزل هستند:

۱. شیخ مفید در کتاب مقنعه می‌نویسد: «و لیس لاحد ان یعزل الماء عن زوجة له حرة الا ان تاذن له فی ذلك.» (مفید، ۱۴۱۰ ق، ص ۵۱۶)
۲. شیخ طوسی در برخی از کتاب‌هایش از جمله کتاب خلاف می‌نویسد:

«العزل عن الحرة لا يجوز الا برضاها فمن عزل بغير رضاها اثم و كان عليه عسر دية

الجنين.» (طوسی، ۱۴۰۳ ق، ص ۳۵۹)

۳. ابن حمزه طوسی در الوسیله؛ (طوسی، بی تا، ص ۳۱۴)

۴. شهید ثانی در کتاب لمعه؛ (عاملی شهید ثانی، ۱۳۶۵ ش، ص ۵۵)

قایلان به حرمت عزل مجموعاً ده دلیل ذکر می‌کنند. شیخ طوسی در خلاف و مبسوط به ۴ دلیل تمسک می‌کند که عبارتند از: ۱. اجماع؛ ۲. اخبار و روایات؛ ۳. احتیاط؛ ۴. وجوب كفارة و ديه نطفه به خاطر عزل. سایر ادله را علمای دیگر ذکر کرده‌اند که عبارتند از:

۵. تضييع حقوق زن به سبب منع از التذاذ كامل و انداء و آزار آن؛

۶. تقويت غرض و حکمت ازدواج و تضييع نسل؛

۷. مخالفت با مطلوبیت تکثیر نسل؛

۸. احتمال ضرر؛

۹. مخالفت با قضا و قدر؛

۱۰. محرومیت جوامع از وجود نوابغ.

بیشتر فقها و به ویژه شارحان عروة الوثقی که موافق با نظر مرحوم سید محمد کاظم یزدی هستند، قایل به جواز عزل و عدم وجوب دیه می‌باشند.

نظر علمای معاصر

علمایی که قایل به جواز عزل می‌باشند؛ با توجه به استفتائاتی که از دفاتر مراجع تقلید و آیات عظام فاضل لنکرانی، سیستانی، نوری همدانی، خامنه‌ای، منتظری، مکارم شیرازی، خرازی، اردبیلی و مؤمن صورت گرفته است، همگی قایل به جواز عزل و جلوگیری از انعقاد نطفه به روش‌های متعارف* عزل می‌باشند، به شرطی که

* به برخی از این روش‌ها در بخش «روش‌های جلوگیری از بارداری» اشاره گردید.

اولاً با رضایت زوجین باشد و ثانیاً بدون ضرر باشد. (استفتائات)

روش عزل در صورتی که یکی از زوجین راضی نباشد: در این وضعیت، نظر آیات عظام سیستانی و فاضل لنکرانی مبنی بر این است که فی حد نفسه اشکال ندارد و رضایت طرفین جایز نیست. آیه‌الله اردبیلی آن را بدون رضایت یکی از زوجین جایز نمی‌داند. آیه‌الله مکارم شیرازی معتقد است که با رضایت زوج جایز است، مگر اینکه زوجه به خاطر نداشتن فرزند به عسر و حرج شدید بیفتد. به نظر آیه‌الله منتظری، عزل بدون رضایت شوهر جز در مواردی که بارداری برای زوجه ضرر دارد اشکال دارد، عزل بدون رضایت زوجه در عقد دائم کراهت دارد. (استفتائات - ضمیمه) آیه‌الله نوری همدانی معتقد است که عزل بدون رضایت طرف مقابل اشکال دارد.

آیه‌الله محمد مؤمن نسبت به کنترل جمعیت و روش‌های آن با توجه به اصل کنترل جمعیت و مصالح و ضرورت‌های زمان و مکان و سیاست‌های کلان جمعیتی دارای دیدگاهی است که با مسائل اجتماعی و جمعیتی روز همخوانی بیشتری دارد. وی جواز کنترل موالید را مسلم و بی‌تردید می‌داند و علی‌رغم وجود روایات فراوان در تشویق به فرزندآوری و ازدیاد فرزند، آن را تنها «مطلوب بودن» و نه «واجب بودن» قلمداد می‌کند و از این رو، جلوگیری از بچه‌دار شدن را جایز می‌داند. (مؤمن فمی، ش ۸، ص ۶۴)

حکم عزل از ناحیه زن

آنچه تا به حال بحث شد، حکم عزل و پیشگیری توسط مرد بود که احکام آن توسط فقها گفته شد، اما اگر زن بخواهد عزل کند چه حکمی دارد؟

عزل از ناحیه زن می‌تواند به دو صورت انجام گیرد:

الف. عزل از ناحیه زن اگر به معنای مانع شدن از ریختن منی در رحم باشد (مثلاً،

زن هنگام انزال خودش را کنار بکشد یا کاری کند که مانع از انزال در رحم باشد) شرعاً حرام است؛ زیرا حق مرد را تضییع کرده است. از اهم حقوق واجب مرد بر زن آن است که زن زمینه هر نوع تمتع و التذاذ کامل جنسی را برایش فراهم کند و عزل و عقب کشی مانع از کمال لذت جنسی است.

نظر صاحب جواهر در مورد عزل زن چنین است: «ظاهر روایت وجوب دیه نطفه بر شخص ثالثی که با ترسانیدن مرد به هنگام آمیزش جنسی باعث عزل و ریختن منی در خارج از رحم شده باشد شامل این مورد نیز می‌شود. در نتیجه، بر زن واجب است که در صورت ممانعت از انزال در رحم، دیه نطفه را به مرد پرداخت کند.» (حسینی خراسانی، ص ۶۰)

ب. عزل زن اگر به این معنا باشد که بعد از انزال منی در رحم کاری کند که نطفه منعقد نشود (مانند مصرف کردن قرص و داروی ضد بارداری، چه شوهر راضی باشد و چه نباشد) جایز و بدون اشکال است؛ زیرا آنچه بر زن واجب است تمکین و آمادگی کامل برای تمتع و تلدذ شوهر است. برای مثال، حاملگی یا شیردادن به بچه بر زن واجب نیست، اما اگر در ضمن عقد شرط شده باشد که نباید عزل کند، در آن صورت این عمل بر زن واجب می‌گردد.

با توجه به مطالب مزبور و رعایت شروط آن، آیات عظام خوئی و گلپایگانی - رحمه الله علیهما - تصریح به جواز عزل از سوی زن و جلوگیری از حاملگی برای زن کرده‌اند. (خوئی، ۱۴۱۳ ق، ص ۱۲۳-۱۲۹، گلپایگانی، ج ۲، ص ۱۷۳)

حکم فقهی در مورد سایر روش‌های جلوگیری از انعقاد نطفه

اگر روش عزل از نظر فقهی جایز باشد (که جواز آن ثابت شد)، در آن صورت می‌توان منطقی این روش را به دیگر روش‌ها، یعنی ممانعت از انعقاد نطفه، تسری داد. بنابراین، استفاده از روش‌هایی نظیر کاندوم، اسفنج، کاپ دهانه رحم،

IUD، پمادها، شیاف‌ها، انواع قرص‌های پیشگیری از حاملگی، انواع کپسول‌های کاشتنی و حتی روش بستن لوله‌های انتقال اسپرم و تخمک همگی مصداق عزل را دارند و استفاده از این روش‌ها از نظر شرعی بدون اشکال است.

نازاسازی و عقیم‌سازی

یکی از روش‌های کنترل موالد و جلوگیری از بارداری، عمل بستن لوله‌های انتقال تخمک در زنان از طریق عمل جراحی یا به صورت لاپاروسکوپی یا مینی لاپاروتومی* و بستن لوله‌های انتقال اسپرم در مردان (وازکتومی)** است که در اصطلاح به آن‌ها عقیم‌سازی یا نازاسازی گفته می‌شود. نکته‌ای که در اینجا قابل ذکر است موضوع ترمیم یا برگشت‌پذیری آن است؛ به این معنا که فرد در صورت تمایل بعد از گذشت مدتی از عمل بستن لوله‌ها بتواند آن را به حالت اول برگرداند. در هر دو عمل لاپاروسکوپی یا مینی لاپاروتومی و وازکتومی این عمل معمولاً با عمل جراحی پرهزینه قابل برگشت است، اما در موارد و درصدی از افراد این برگشت‌پذیری امکان‌پذیر نیست. اکثر فقها (از شیخ طوسی^ع و شیخ انصاری^ع تا علمای متأخر) عقیم‌سازی را حرام می‌دانند؛ چون آن را تعطیلی قوه تولید مثل و از مصادیق ایجاد نقص و ضرر زدن به نفس قلمداد می‌کنند.

نظر فقها درباره عقیم‌سازی از طریق بستن لوله‌ها

اکثر فقهای شیعه با بستن لوله‌های انتقال تخمک و اسپرم (در زنان و مردان) در

* منظور از لاپاروسکوپی یا مینی لاپاروتومی این است که به جای عمل جراحی عمده روی زن، با برش کوچک روی شکم و استفاده از ابزارهای خاص، بعضی از عمل‌های جراحی یا بستن لوله‌ها در زن انجام می‌گیرد.

** منظور از وازکتومی عبارت است از بستن لوله‌های انتقال اسپرم که در برخی موارد حتی بدون استفاده از تیغ جراحی و سریع انجام می‌گیرد.

حالت برگشت‌پذیر موافقت، اما در مورد بستن لوله‌ها در صورت برگشت‌ناپذیری اجماع نظر وجود ندارد. از نظر آیه‌الله سیستانی بستن لوله‌های انتقال تخمک و اسپرم، چه برگشت‌پذیر و چه برگشت‌ناپذیر - فی حد نفسه - مانعی ندارد، اما آیه‌الله اردبیلی آن را موکول به رضایت زوجین می‌داند. آیه‌الله فاضل لنکرانی عقیم‌سازی به روش برگشت‌پذیر را جایز می‌داند، اما روش برگشت‌ناپذیر را جایز نمی‌داند. از نظر آیه‌الله منتظری عقیم‌سازی موقت و بی‌ضرر به نحوی که برگشت به حالت اولیه ممکن باشد اشکالی ندارد، ولی عقیم‌سازی دائم و برگشت‌ناپذیر محل اشکال است، مگر در موارد ضرورت مانند مواردی که معالجه و سلامت زن یا مرد منحصراً متوقف به آن باشد، یا بدانند بچه‌ای که ممکن است متولد شود عقب‌افتاده جسمی یا ذهنی خواهد بود. نظر آیه‌الله مکارم شیرازی بر این است که اگر بستن لوله‌ها قابل بازگشت باشد اشکالی ندارد و در آنجا که مستلزم لمس یا نظر حرام است مشروط به ضرورت می‌باشد. (استفتائات - ضمیمه)

سؤال: آیا بستن لوله‌ها (به حالت برگشت‌ناپذیر) با داشتن چندین فرزند و عدم تمایل به داشتن فرزندان بیشتر جایز است؟

آیه‌الله فاضل لنکرانی این عمل را جایز نمی‌داند. آیه‌الله منتظری نیز در فرض مذکور، عقیم‌سازی را محل اشکال می‌داند (استفتائات - ضمیمه) اما آیه‌الله مؤمن قمی عمل نازاسازی را از مصادیق آسیب‌رساندن به بدن نمی‌داند، به ویژه اگر نازاسازی بعد از چند فرزند باشد. بنابراین، ایشان قایل به جواز نازاسازی می‌باشد.

سؤال: آیا نازا ساختن از روی اختیار و خواست زن و شوهر (در صورتی که زن شوهردار باشد) و یا از روی آگاهی و خواست زنی که شوهر ندارد نمونه ضرر زدن به نفس است یا خیر؟

پاسخ آیه‌الله مؤمن چنین است: «اگر این کار با انگیزه عقلانی صورت گیرد؛ به این معنی که زن و یا زن و شوهر در پی رسیدن به هدفی فراتر از مسئله تولید مثل باشند (نظیر زن و شوهری که اسلحه بردارند و به صف نبرد در برابر دشمنان اسلام و مسلمانان و مستضعفان درآیند، و یا از پیش‌کسوتان دانشمندان علوم طبیعی باشند که خود را وقف خدمت به بشریت و یا خصوص امت اسلامی کرده‌اند. به ویژه اگر نازایی پس از زادن چند فرزند باشد و یا در صورت بی‌نیازی‌شان به فرزند صورت گیرد و نمونه‌هایی از این قبیل در این حوزه‌ها) حق آن است که اقدام به عمل نازاسازی به هیچ روی از مصادیق آسیب‌رساندن نخواهد بود، تا چه رسد به اینکه عمل یاد شده موقت و بازگشت به حالت قبلی امکان‌پذیر باشد. (مؤمن قس، ش ۹، ص ۱۱۴)

نظر آیه‌الله خرازی درباره نازاسازی: آیه‌الله محسن خرازی درباره نازاسازی معتقد است که اگر عمل جراحی موجب عقیم شدن دائمی زن یا مرد شود حرام است؛ چون سبب نقص در بدن می‌شود. و ضرر رساندن به بدن همانند ضرر زدن به دیگران حرام است. ایشان می‌گویند: «به صرف وجود اغراض عقلانی، ضرر منتفی نشده، بلکه موجود است و ارتکاب آن جایز نیست، مگر غرض مهم‌تری در میان باشد که انجام دادن آن بدون اشکال است؛ مانند انحصار راه درمان به تحمل ضرر یا پیشگیری از بیماری که ضرر آن بیشتر و سخت‌تر است. پس هرگاه ضرورت و مصلحتی در میان باشد که رعایت آن از دیدگاه شارع لازم باشد و تنها راه عمل به آن فعل ضرری باشد، اقدام به ضرر جایز است.» (خرازی، ش ۲۱، ص ۶۳)

نظر آیت‌الله خامنه‌ای درباره نازاسازی: آیه‌الله سید علی خامنه‌ای استناد عده‌ای به آیه ۱۱۹ سوره نساء و دگرگونی و تصرف در نظام آفرینش را قابل خدشه می‌داند و می‌گوید: «این ادعا که نازاسازی از مصادیق دگرگونی است که معنی آن تصرف در نظام آفرینش است و پیامد آن کاستی‌ای است که در دست ساخته‌های

خداوند پدید آمده و حرام می‌باشد مردود است؛ به این دلیل که هر نوع کاستی در بدن را نمی‌توان گفت زشت است؛ چرا که بسیاری از کاستی‌های جسمانی برعکس است. چنانکه شاعر می‌گوید: «آراستن سرو ز پیراستن است» و هیچ شگفتی ندارد. اگر کاستن در پاره‌ای از موارد از همین قبیل باشد (یعنی موجب زیبایی اندام شود نه زشتی)، همان‌گونه که پیش‌تر هم گفته شد، آیه شریفه ﴿لَا مَرْئِيَهُمْ فَلْيَغَيِّرُنَّ خَلْقَ اللَّهِ...﴾ (و به آنان فرمان می‌دهم تا خلقت خدا را دگرگون سازند) به تغییر و یا کاستی‌های جسمانی اشاره ندارد (خواه این کاستن موجب زشتی شود و یا موجب زیبایی). در نتیجه، آیه مزبور هیچ ربطی به مورد بحث ندارد و نمی‌توان آن را مانع اجرای اصل حدیث به شمار آورد.

فقه سیاسی شیعه و کنترل باروری

از دیرباز حجم جمعیت و تعداد نفوس برای نظام‌های سیاسی و دولت‌ها به عنوان یکی از عوامل قدرت و اقتدار محسوب می‌شده است؛ زیرا توجه آن‌ها به جمعیت و نفوس بیشتر روی دو عامل متمرکز بوده است: ۱. نیروی نظامی و تعداد سربازان؛ ۲. اخذ عوارض و مالیات از مردم.

همه ادیان الهی و نیز مکاتب اخلاقی، طرفدار افزایش جمعیت بوده‌اند و یا دست کم مخالفتی با افزایش آن نداشته‌اند. دلیل آن هم روشن است؛ زیرا در گذشته به علت بالا بودن نرخ مرگ و میر* و پایین بودن نرخ رشد جمعیت، ضرورتی برای اظهار نظر درباره کنترل جمعیت نبوده است.

در گذشته مسئله افزایش جمعیت نه به لحاظ نظری و نه به صورت تجربی در

* در گذشته و دست کم تا پیش از قرن هفدهم پیوسته ۲ عامل باعث پایین بودن نرخ رشد جمعیت بوده است: بیماری‌های عفونی و اپیدمی؛ قحطی‌ها و خشکسالی‌ها؛ حوادث و بلایای طبیعی؛ جنگ‌ها و کشتارهای جمعی و قتل عام‌ها.

ذهن صاحب‌نظران و علمای اجتماعی مطرح نبوده است. از این رو، تا اوایل قرن هجدهم دیدگاه‌های خاصی پیرامون عواقب ازدیاد جمعیت به چشم نمی‌خورد و تنها بعضی از صاحب‌نظران مانند خواجه نصیرالدین طوسی (متوفای ۶۵۳ هـ ق) به صورت غیرمستقیم عواقب و تبعات افزایش جمعیت را گوشزد می‌کرده‌اند. خواجه نصیرالدین درباره کاهش احتمالی مرگ و میر و پیامدهای ناگوار رشد جمعیت در کتاب مشهور خود اخلاق ناصری در بحث از «غیرمعقول بودن ترس از مرگ» می‌نویسد: در صورتی‌که هیچ‌گونه تلفات ناشی از مرگ و میر برای جمعیت وجود نداشت، آنگاه جمعیت آنچنان به سرعت رشد می‌کرد که در روی زمین حتی جایی برای ایستادن افراد وجود نمی‌داشت. (مهریار، ۲۰۰۲، ص ۱۷)

به نظر می‌رسد که او همچنین نسبت به استعداد رشد تصاعدی جمعیت‌ها آگاهی داشته است. وی برای توضیح این مطلب می‌گوید: اگر شخصی یک دانه گندم را در گوشه‌ای از صفحه شطرنج قرار دهد، و با حرکت در هر خانه بعدی، تعداد دانه گندم را دو برابر کند، تعداد دانه گندم مورد نیاز برای خانه‌های بعدی بسیار بی‌شمار خواهد بود، چه رسد به خانه آخر (خانه ۶۴) که از حد محاسبه فراتر می‌رود.*

با توجه به اینکه تا اوایل قرن بیستم رشد جمعیت در میان مسلمانان (و شیعیان) ناچیز بوده است، بحث کنترل جمعیت و سیاست‌های جمعیتی در سطح ملی (به صورت کلان) وجود نداشته است. مباحث کنترل موالید و جلوگیری از

* اشاره‌ای است به شخص مخترع و مبتکر بازی شطرنج و تقدیم آن به پادشاه هندوستان و پیشنهاد پادشاه به فرد یاد شده برای تعیین نوع جایزه به خاطر این اختراع. در این میان، مخترع شطرنج پیشنهاد می‌کند که پادشاه دستور دهد خزانه‌دار شاه یک دانه گندم در خانه اول گوشه شطرنج قرار دهد و در هر خانه بعدی فقط تعداد آن را دو برابر کند تا به خانه آخر برسد. این پیشنهاد به نظر حاکم بسیار ناچیز جلوه می‌کند و دستور آن را به خزانه‌دار می‌دهد. اما خزانه‌دار بعد از مدتی به اطلاع شاه می‌رساند که تمام غله موجود در هندوستان حتی به خانه سی و دوم شطرنج هم نمی‌رسد. (جالب است بدانید که با محاسبات امروزی، تعداد این گندم در خانه آخر از میلیاردها تن نیز می‌گذرد.)

باروری و عزل، بیشتر در قالب مسائل فردی و مسائلی نظیر تعیین تکلیف شرعی و فقهی و جواز شرعی آن مطرح بوده است. بیشتر روایاتی هم که از ائمه علیهم‌السلام درباره عزل و کنترل باروری نقل شده‌اند عمدتاً در پاسخ به سؤالاتی هستند که مردم از ایشان در قالب سؤالات شرعی کسب تکلیف می‌نموده‌اند.

با ورود به قرن بیستم و توسعه دانش بهداشت و علوم پزشکی و کنترل مرگ و میرها و افزایش حجم جمعیت جهان، مسئله کنترل موالید و سیاست‌های جمعیتی در سطح کلان مطرح گردید و بسیاری از دولت‌ها این مسئله را به عنوان یک ضرورت در دستور کار سیاست‌های ملی خود قرار دادند. از این زمان به بعد است که با فقه سیاسی شیعه در مورد سیاست‌های جمعیتی در سطح کلان به عنوان یک مسئله - که فقه سیاسی باید پاسخ مناسبی برای آن داشته باشد - مواجه می‌شویم.

نظرات فقهای شیعه درباره سیاست‌های جمعیتی و تنظیم خانواده (در سطح کلان) در خصوص تنظیم خانواده، اگرچه مباحث مربوط به عزل و مسائل کلی آن در رساله‌های عملیه به چشم می‌خورد، اما به نظر می‌رسد که هیچ حکم عمومی در خصوص این مسئله تا پیش از دهه ۱۳۴۰ وجود ندارد. مسئله تا حدی ناشی از این واقعیت است که تا این زمان هیچ بحث رسمی توسط دولت‌ها (کشورهای شیعه نظیر ایران، لبنان و عراق) صورت نگرفته است و بنابراین، ضرورتی برای پرداختن به آن وجود نداشته است.

با پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل حکومت دینی، ضرورت برنامه‌ریزی جمعیتی و سیاست‌های کلان و تنظیم خانواده احساس گردید. دیدگاه‌هایی که در این زمینه وجود دارند، به طور کلی به دو دسته می‌توان تقسیم کرد:

الف. مخالفان کنترل موالید و سیاست‌های جمعیتی؛

ب. غیر مخالفان کنترل موالید (با توجه به شرایط زمانی و مکانی).

الف. مخالفان کنترل موالید و سیاست‌های کنترل جمعیتی: برخی از علما و فقهای شیعه معتقدند که کنترل موالید و جلوگیری از بارداری، چه در سطح خرد و چه در سطح کلان، مغایر با روح اسلام و آیات قرآن است. این عده با استناد به آیات قرآن و زدودن ترس نسبت به فقر و مشکلات معیشتی برای افزایش جمعیت، لزومی برای کنترل جمعیت نمی‌بینند و در نتیجه، هر سیاست کنترل جمعیتی را مخالف شرع مقدس اسلام می‌دانند.

مرحوم آیه‌الله طهرانی از جمله علمایی است که به مخالفت شدید با مقوله کنترل جمعیت پرداخته است. کتاب ایشان به نام رساله نکاحیه: کاهش جمعیت ضربه‌ای سهمگین بر پیکر مسلمین به این مسئله و زوایای گوناگون آن می‌پردازد. بخش عمده‌ای از کتاب مربوط به مباحث فقهی شیوه‌های جلوگیری است و قسمت دیگری از آن به مضرات انواع جلوگیری با استناد به اقوال طبیبان پرداخته است. مرحوم طهرانی با استناد به آیه ﴿وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ...﴾ (نور، ۳۲) می‌نویسد: با وجود صفات واسع، رازق، رزاق و علیم خداوند چگونه ممکن است مسلمانان به تنگدستی بیفتند؟ از این رو، وی هرگونه جلوگیری از فرزندزایی را خلاف شرع می‌داند. به نظر ایشان، اصل زن در عبادت است؛ یعنی اصل، در وضعیت حمل و رضاع است. حیض خلاف اصل است؛ یعنی عدم حمل و عدم رضاع خلاف اصل است. زن به واسطه عدم حمل و عدم رضاع، تعدادی از قوای بدنی و جسمی خود را که خداوند به صورت خون درآورده است هدر خواهد داد. از این روی، از رحمت خدا دور است و خداوند در اینجا به وی اجازه عبادت و خشوع و خضوعی را که به واسطه نماز و روزه و طواف حاصل می‌شود نداده است. (طهرانی، بی‌نا، ص ۴۲)

نگاه اهل سنت به کنترل جمعیت: آیه‌الله طهرانی در بخشی از کتاب خویش با اشاره به

قطعنامه هفده تن از فقهای اهل سنت که پس از شرکت در مجلس مجمع فقهی اسلامی در سال ۱۴۰۰ هـ ق در مکه مکرمه صادر گردید، نظر برخی از علمای معاصر اهل سنت را مطرح می‌کند. (همان، ص ۱۳۷-۱۳۸) متن قطعنامه مزبور به قرار زیر است:

«نظر به اینکه شریعت اسلام ترغیب‌کننده به فزونی نسل مسلمانان و انتشار آن است، و تحدید نسل و جلوگیری از آبستنی مخالف فطرت انسانی و شریعت اسلامی می‌باشد، و نظر به اینکه هدف جلوگیری از افزایش جمعیت مسلمانان نیرنگی برای کاهش دادن نیروی انسانی آنها و تقویت سلطه استعمارگران بر کشورهای اسلامی و بهره‌برداری بیشتر از ثروت‌های آنان است و نیز نظر به اینکه جلوگیری از نسل نوعی عمل جاهلی و بدگمانی نسبت به خدای متعال است، مجلس مجمع فقهی اسلامی به اتفاق آراء مقرر می‌دارد که: تحدید نسل مطلقاً جایز نیست و جلوگیری از آبستنی در صورتی که انگیزه آن ترس از کمبود باشد حرام است؛ چرا که خداوند متعال "هو الرزاق"، "ذوالقوة المتین" و روزی همه جنبندگان روی زمین را به عهده گرفته است: ﴿وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا...﴾ (مرد، ۶) اما دعوت و الزام مردم به تحدید نسل و جلوگیری از آبستنی به طور کلی شرعاً حرام است.»

آیه‌الله طهرانی سیاست کاهش جمعیت را توطئه صهیونیسم و غرب علیه مسلمانان می‌داند. آنچه بدینی‌های علمایی همچون مرحوم آیه‌الله طهرانی را دامن زده است کمک‌های صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و سازمان‌هایی نظیر سازمان ملل متحد به کشورهای جهان سوم برای کنترل جمعیت می‌باشد. به عنوان مثال، مدیر اجرایی صندوق جمعیت ملل متحد گفته است: بانک جهانی ۱۵۰ میلیون دلار به عنوان وام برای بهداشت و تنظیم خانواده در ایران اختصاص

در مجموع، علما و صاحب‌نظران هم رأی با مرحوم آیه‌الله طهرانی، به دو دلیل عمده معتقد به عدم جواز برای کنترل جمعیت هستند: ۱. آیات و روایات در این باره؛ ۲. دسیسه‌ها و نقشه‌های استعمار و صهیونیسم برای کاهش جمعیت مسلمانان. ب. غیرمخالفتان کنترل موالید: این دسته از علما و فقها با توجه به شرایط زمانی و مکانی و ضرورت‌های آن به طور قطعی مخالف کنترل موالید نیستند، بلکه معتقدند در مواردی که موقعیت‌های اجتماعی ایجاد کند با صلاحدید و تشخیص ولی فقیه می‌توان سیاست جمعیتی را تنظیم یا دست کم کنترل جمعیتی را اعمال نمود.

در این میان، آیه‌الله فاضل لنکرانی اتخاذ سیاست‌های جمعیتی از سوی حاکم اسلامی را فی نفسه حرام نمی‌داند و تصمیم‌گیری در این خصوص را بر عهده مراکز ذی‌ربط قانونی می‌داند.

نظر آیه‌الله اردبیلی بر آن است که اگر مشکلات به حد عسر و حرج می‌رسد و راه حل دیگری ندارد باید کنترل شود.

آیه‌الله منتظری معتقد است کنترل جمعیت در فرض مذکور به نحو ارشاد و با اعمال روش‌های تشویقی یا بازدارنده غیرالزامی اشکالی ندارد.

آیه‌الله مؤمن قایلند به اینکه نه تنها اسلام، بلکه ادیان آسمانی پیروان خود را به افزایش جمعیت با ایمان و شایسته به اندازه‌ای که در توان آنان باشد فرا می‌خوانند. ایشان مقوله کنترل جمعیت و سیاست‌های جمعیتی را از حوزه اختیارات ولی فقیه می‌داند و با استناد به آیه «وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ» (احزاب، ۳۶) چنین می‌گوید: «بنابراین، هرگاه ولی امر تشخیص دهد که صلاح افراد در آن است که زاد و ولد تنظیم شود یا دست کم در هنگامه‌ای از زمان فرزند کمتر داشتن بهتر است، و در این خصوص دستور صادر کند که هر یک از آنان باید تعداد خاصی فرزند داشته

باشند، بر امت اسلامی است که از این فرمان پیروی کنند و از آن فراتر نروند. و این حکم ولی فقیه تصرف در حکم شرعی (حق فرزندداری و جواز آن در اسلام) نیست، بلکه از باب تشخیص موضوع است در باب آنچه بر امت ارتباط دارد. ۱۱. مؤمن فقی، سال سوم، ش ۸ و ۹، ص ۱۱۲ و ۱۳۵

آیه‌الله نوری همدانی همانند بسیاری از فقهای دیگر شیعه با در نظر گرفتن ضرورت‌ها و توجه به شرایط زمانی و مکانی به مسئله کنترل جمعیت و سیاست‌های جمعیتی می‌پردازد. ایشان همانند آیه‌الله مؤمن سیاست‌های جمعیتی را تابع شرایط زمانی و مکانی، و تشخیص صلاحدید آن را در حد صلاحیت ولی فقیه و حاکم اسلامی می‌داند.

به نظر آیه‌الله نوری همدانی، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کثرت امتش را توأم با عزت و پیشرفت آن‌ها می‌خواهد. پس نمی‌توان گفت که زیادی فرزندی به گونه مطلق پسندیده است. اینکه برخی روایات به ناپسندی فرزندی زیاد اشاره دارند تأکیدی بر همین نکته است. در آیه شریفه قرآن نیز آمده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ﴾ (سافون، ۹) بنابراین، کثرت اولاد در صورتی مطلوب است که مانع از انجام وظایف نباشد. (نوری همدانی، سال نهم، شماره ۳۳، ص ۲۹-۲۴)

آیه‌الله خرازی نیز مانند عده‌ای از فقهای دیگر شیعه نظرات خاص خود و در عین حال، موافق با دخالت فقه سیاسی و تشخیص زمان و مکان درباره سیاست‌های جمعیتی توسط حاکم را دارد. ایشان در درجه اول موافق با افزایش جمعیت و عدم به کارگیری کنترل موالید و سیاست‌های جمعیتی است و برای اثبات آن به چهار دسته از روایات استناد می‌کند:

۱. روایاتی که دلالت دارند بر اینکه هنگام ازدواج زنی را انتخاب کنید که فرزند زیادی آورد؛
۲. روایاتی که به خاطر محبوب بودن آوردن فرزند فراوان به ازدواج تشویق

می‌کنند؟

۳. روایاتی که بر مطلوب بودن کثرت فرزندان دلالت دارند؟

۴. روایاتی که عزل را ناپسند می‌شمارند.

ایشان در خصوص روایاتی که کمی عیال را یکی از اسباب راحتی در دنیا می‌دانند (مانند «قلّة العیال احد الیسارین»)، به سه مطلب اشاره می‌کند:

۱. این روایات از نظر سند ضعیفند و نمی‌توانند با روایاتی که بر محبوبیت ازدیاد فرزند دلالت دارند معارضه کنند.

۲. واژه عیال مطلق است و شامل همسر و فرزندان - هر دو - است. پس این روایات به روایاتی که دلالت بر محبوبیت ازدیاد فرزند می‌کنند مقید می‌شوند.

۳. آنچه از این روایات استفاده می‌شود تشویق به کم کردن اهل و عیال نیست، بلکه راهنمایی به این نکته است که زیاده‌ای عیال سخت و مشکل‌زاست. و این مضمون با مستحب بودن ازدیاد و اولاد و تلاش برای خانواده و تحمل مشکلات تنافی ندارد؛ مانند بخشیدن و انفاق آنچه برای انسان محبوب است در عین سختی پسندیده و مستحب می‌باشد. (خرازی، ش ۲۱، ص ۶۹، ۴۱)

اما ایشان نسبت به ضرورت و شرایط زمانی و مکانی سیاست‌های جمعیتی و تنظیم خانواده می‌گوید: حاکم دولت اسلامی بر همه امور ولایت دارد و اگر تشخیص به لزوم کنترل جمعیت دهد و دستور صادر کند اطاعت بر مردم واجب است. اگر حاکم تشخیص دهد باید لوله‌های بارداری بسته شود و فرمان صادر کند، اطاعت از دستور او لازم است و حرمت اولی بستن لوله‌ها برداشته می‌شود؛ زیرا با وجود عناوین ثانوی و ترجیح آن‌ها فعلیت حکم اولی از بین می‌رود. البته حکم حاکم مبتنی بر مصالح و مفاسد لزوم آور موجود است و اگر آن مصالح و مفاسد تغییر کند دوباره کنترل جمعیت و جلوگیری از بارداری حکم اولی خود را پیدا می‌کند و حاکم هم دستور پایان حکم و نقض آن را صادر می‌کند و ممنوعیت تکثیر اولاد را برمی‌دارد. (همان، ۶۳)

نتیجه

فقه سیاسی در زمینه سیاست‌های جمعیتی و تنظیم خانواده از زمانی موضوعیت بحث پیدا کرده است که دولت‌های کشورهای اسلامی موضوع کنترل جمعیت را مطرح کرده‌اند. این موضوع تقریباً از اوایل دهه ۱۳۴۰، که در ایران بحث تنظیم خانواده مطرح گردید، موضوعیت یافت و پس از پیروزی انقلاب اسلامی به دنبال رشد روزافزون جمعیت ایران به طور جدی دنبال شد.

درباره سیاست‌های جمعیتی و تنظیم خانواده دو دیدگاه مطرح می‌باشد:
الف. دیدگاهی که مخالف سیاست‌های کنترل جمعیت و موالید می‌باشد و اساساً آن را مغایر با روح اسلام، و در نهایت، توطئه غرب و صهیونیسم علیه مسلمانان می‌داند؛

ب. دیدگاهی که در عین اعتقاد به افزایش جمعیت و مطلوبیت داشتن فرزند زیاد، با توجه به شرایط زمانی و مکانی (در برهه‌ای از زمان که زیادی جمعیت برای جامعه اسلامی مشکل ساز و مسئله آفرین باشد) قایل به برنامه ریزی حکومت اسلامی برای کاهش جمعیت و موالید می‌باشد. به طور خلاصه می‌توان گفت: سیاست‌های جمعیتی و کنترل موالید (در سطح کلان) تابع شرایط زمانی و مکانی است و تشخیص، اقدام و ابلاغ آن در صلاحیت ولی فقیه و حاکم اسلامی قرار دارد.

منابع

۱. ابازی، محمد علی، اسلام و تنظیم خانواده، ۱۳۷۳، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲. پژوهشکده امام خمینی علیه السلام و انقلاب اسلامی، فصلنامه پژوهشنامه متین، شماره‌های ۵ و ۶.
۳. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ۱۳۴۷، ش، تهران، کتاب‌فروشی اسلامیه.
۴. حسینی خراسانی، سید احمد، حکم فقهی کنترل موالید، کنگره بررسی آثار فقهی امام خمینی، ج ۱۲.
۵. حکیمی، محمد رضا، ترجمه الحیاء، ۱۳۷۷، ش، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۶. حنّی، جعفر بن حسن، جواهر الکلام، ۱۳۵۷، ش، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۷. خامنه‌ای، سید علی، فقه اهل‌البيت، شماره ۱۹.
۸. خرازی، سید محسن، سخنی درباره نازاسازی، ۱۳۷۹، فقه اهل‌البيت، شماره ۲۱ و ۲۲.
۹. خوئی، سید ابوالقاسم، منهاج الصالحین، ۱۳۹۷، ق، نجف، مطبعة النعمان.
۱۰. ————، منیة السائل، ۱۴۱۳، ق.
۱۱. طبری نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، ۱۳۶۷، ش، بیروت، مؤسسة آل‌البيت لاحیاء التراث.
۱۲. طوسی، ابن حمزه، الوسیله الی نیل الفضیله، بی تا، قم، انتشارات کتابخانه آیت‌الله مرعشی.
۱۳. طوسی، محمد بن حسن، الخلاف، ۱۴۰۳، ق، قم، بنیاد فرهنگ اسلامی.
۱۴. ————، المبسوط فی فقه الامامیه، ۱۳۶۲، ش، تهران، المکتب المرتضویه.
۱۵. طهرانی، سید محمد حسین، رساله نکاحیه، تهران، انتشارات حکمت.
۱۶. عاملی، زین‌الدین بن علی (شهید ثانی)، شرح لمعه، ۱۳۶۵، ش، قم، مرکز النشر مکتب الاعلام اسلامی.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب، فروع کافی، بی تا، شرح سید جواد مصطفوی، تهران، دفتر نشر اهل‌البيت.
۱۸. گلیایگانی، سید محمد رضا، مجمع المسائل، بی تا، قم، دارالقرآن.
۱۹. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ۱۳۶۲، ش، بیروت، الوفاء.
۲۰. مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۷۵، ش و ۱۳۶۵، ش، تهران، مرکز آمار ایران.
۲۱. مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد بن نعمان، المقنعه، ۱۴۱۰، ق، قم، مؤسسة نشر الاسلامی.
۲۲. مهریار، امیر هوشنگ، اسلام و تنظیم خانواده از منظر شیعه، ۲۰۰۲، وزارت علوم، تحقیقات و

فن آوری.

۲۳. مؤمن قمی: محمد، سخنی در تنظیم خانواده، ۱۳۷۴، فقه اهل البيت، شماره ۸ و ۹.

۲۴. نوری همدانی، حسین، فقه اهل البيت، شماره ۳۳.

۲۵. یزدی، سیدمحمدکاظم، العروة الوثقی، ۱۴۱۰ ق، قم، دارالهادی.

منابع لاتین

1. Colin Mc Evedyand Richard Jones, Atlas of World Population (New York: Facts on File, 1978): 65.
2. Mehryar. A. H 2002 Ideological basis of fertility changes in post-Revolutionary Iran.
3. The Black Death: accessed online at: [www: geocities.com/~mohan_iyer/3in.htm](http://www.geocities.com/~mohan_iyer/3in.htm). ojan.8, 1999
4. <http://ecp3II3-o/>, Faol. FSU.edu/lively_introduction.
5. united lyations, 1987 and 1996 world population data sheet.
6. www.Prb.org. order code: Bul 59.1.
7. www.nationmaster.com/country/CN/aqe_distribution.
8. www.census.gov/ipc/www/worldhis.html